

آمار

۱۲ هزار کودک آزاری گزارش شده در سال

برای یافتن تعداد کودک آزاری سلالانه ایران، باید سرآغاز سازمان بهزیستی و اورژانس اجتماعی رفت. اواخر سال گذشته بود که خیمه‌پاله مسعودی‌فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی، از کودک آزاری‌هایی را ارائه داد که گزارش شده بودند و البته باید گفت این رقم، بخشی از کوه یخ شناسر و در آب است که دیده نمی‌شود و بسیاری از کودک آزاری‌ها در ایران اصلاً گزارش نمی‌شود. اینها در اسفندماه سال گذشته گزارش داده بود مسعودی‌فرید گفته است در سال ۹۶ برآورد کرده ۶۵ هزار تماس با اورژانس اجتماعی برقرار شده که از این تعداد ۱۵۰ هزار تماس مرتبط با اورژانس فعالیت اجتماعی است که نسبت به سال‌های قبل تفاوت معناداری ندارد.

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی در این مصاحبه گفت: این تعداد مربوط به موارد گزارش شده است و به معنای آن نیست که میزان کودک‌آزاری ثابت است، بلکه آنچه به ما گزارش می‌شود، عمدتاً کودک‌آزاری‌های شدید فیزیکی بوده و متأسفانه آزار روانی و تحقیر و توهین به کودکان به ما گزارش نمی‌شود. مسعودی‌فرید با تأکید بر اینکه درحال حاضر ۶۰۰ مرکز نگهداری از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در کشور وجود دارد، اظهار کرد: ۸۵ درصد این کودکان فاقد سرپرست مؤثر بوده و ممکن است والدین‌شان دارای بیماری مزمن روانی یا بیماری صعب‌العلاج باشند و سرپرست دیگری نیز نداشته باشند.

وی افزود: همچنین کودکانی که مورد کودک‌آزاری قرار گرفته و به شرایط خطرآفرین زندگی می‌کنند، نیز در مراکز نگهداری کودکان به سرپرستی و بدسرپرستی مجاز به سرپرستی قرار دارند. از سلب صلاحیت اعتیاد و مجرم‌بودن والدین را به عهده دلالیل بدسرپرستی کودکان دانست و افزود: سرپرستی چنین کودک‌دوکان به حکم قوانین به سازمان بهزیستی واگذار می‌شود. به بیان دیگر، قوانین باید سلب صلاحیت والدین را به سازمان بهزیستی اعلا و افزایش کند.

وی با اشاره به تصویب آیین‌نامه فوریت‌های اجتماعی در سال ۹۲ از سوی هیات دولت، اظهار کرد: در این آیین‌نامه وظایف دربارۀ فوریت‌های اجتماعی به عهده دستگاه‌های مختلف گذاشته شده است. همچنین ما به قوه قضائیه تقاضای همکاری را داریم و نیروی قضائیه و تازگی نیز بنا شده میان سازمان بهزیستی، قوه قضائیه و قوه انتظامی برای راهبری بهتر فعالیت‌های اورژانس اجتماعی، از جمله کودکان‌آزاری، تقاضای‌نامه‌ای منعقد شود. مسعودی‌فرد با اشاره به ششمین اجلاس اردن این ارتباط، بیان کرد: گاهی در مواقع بحرانی که کودک در خطر است، می‌توانیم با همکاری ما در اورژانس اجتماعی از قوه قضائیه حکم غیابی می‌گیرند.

معاون امور اجتماعی با تأکید بر اینکه گاهی نسبت به درخبر کردن کودکان با صحت سخنان او ابهاماتی وجود دارد، گفت: یکی از راهکارهای پیشرو برای کمک به کودکانی که در شرایط نامطلوب زندگی می‌کنند، آن است که قاضی به طور موقت تصمیم مدکار اورژانس اجتماعی را تأیید کند و کودک به طور موقت به مراکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی سپرده شود و در ۲۲ ساعت تا یک هفته قاضی به همراه همکاران ما در اورژانس موضوع را بررسی کرده و به تصمیم‌گیری نهایی برسد. وی با اشاره به استقلال از قضات، قاضان کرد، گفت: است قاضی با مدکار بهزیستی به نتیجه همسان نرسد، اما بهتر است قانونی تصویب شود یا ماده‌ای به لایحه حمایت از حقوق کودکان که در حال حاضر در کمیسیون قضائی مجلس است، اضافه شود که بنا بر آن، اگر مورد کودک آزاری به اورژانس اجتماعی ارجاع شد و قاضی حکم مدکار گرفتن کودک از خانواده را صادر کرده و مرحله تکمیلی بعدا انجام شود.

مسعودی‌فرید اضافه کرد: راه دیگر آن است ارتباط همکاران ما با قوه قضائیه بیشتر شود که البته در برخی مواقع همکاری بسیار خوب است و قاضی را می‌دکدار که می‌پذیرد. وی با تأکید بر اینکه حتی در یک روز تأخیر ممکن است صدمات جبران‌ناپذیری به خانواده وارد کند، بیان کرد: به همین علت پیشنهاد می‌دهیم قاضی به تشخیص اولیه همکاران ما برای جدایی کودک از خانواده و به پزیندر و بعدا تصمیم‌گیری نهایی را انجام دهد. معاون امور اجتماعی با بیان اینکه در خانواده‌ای که پدر یا مادر دچار اعتیاد هستند حتماً اسکنالاتی وجود دارد، افزود: در برخی مواقع نیاز است کودک از خانواده جدا شود. مسعودی‌فرید گفت: ما پروتکل کودک‌آزاری را با همکاری انجمن روان‌پزشکی کودکان ایران تدوین کرده‌ایم که درحال حاضر در حال اجراست.

وی با بیان اینکه در ادبیات روان‌شناسی عبارت سورف‌قارآ را کودک‌دکان و چودد دارد، ۵۰ درصد کودکان آزاری یکی از زیرمجموعه‌های آن است، اضافه کرد: ۵۰ درصد سورف‌قارها مربوط به غفلت از کودک و بی‌سیّدی‌کردن بچه‌ها است. بنابراین ضروری است به والدین آموزش داده شود چقدر ضرب‌پشتن کودک، کودک آزاری محسوب نمی‌شود. بلکه بی‌توجهی و تحقیر و توهین هم از مصادیق کودک آزاری است. معاون امور اجتماعی با اشاره به سخن وزیر آموزش و پرورش مبتنی بر اینکه ۹۸ درصد کودکان سن دبیرستان در مدارس حضور دارند، خاطرنشان کرد: مدرسه بهترین جایی است که می‌توانیم به ۹۸ درصد آنها دسترسی داشته باشیم و شیوه‌ها و فرزندپروری در نهاد باورهای و همچنین کودکان دارای مشکل را شناسایی کنیم. مسعودی‌فرد ادامه داد در این باره تفاهنامه‌ها کلا با آموزش و پرورش و قوه قضائیه و سازمان مدیریت داریم و نیز تفاهنامه‌ای با معاونت تربیت و سلامت آموزش و پرورش منعقد خواهیم کرد که این تفاهنامه در راستای توسعه ارتقای کیفیت مداخلات پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و راهکارهای بر خیز در موالید دانش آموزان است که شامل محیط پرورشی آنها، از جمله والدین، معلمان و مدیران می‌شود. وی در پایان خاطرنشان کرد: کودک آزاری‌هایی نیز وجود دارد که کسی متوجه آن نمی‌شود. اما این موارد عوارض خود را در آینده نشان خواهند داد.

مرور

لایحه‌ای به قدمت ۷ سال

لیاجه «حمایت از حقوق کودکان»
نوجوانان» می‌تواند ضامن قانونی
مبارزه با تروریسم باشد. بررسی
ایین لیاجه از سال ۸۸ در مجلس
شروع شد اما همچنان در انتظار
تصویب به سر می‌برد. آخرین خبر این
است که هفته گذشته حسن نوروزی،
سخنگوی کمیسیون قضائی مجلس
شورای اسلامی، اعلام کرده لیاجه
کودک‌آزاری در مجلس به تصویب
بررسی می‌شود و ابزار آمدراری کرده
در دو هفته روند ورود این لیاجه به
صحن علنی مجلس هموار شود.
حسن نوروزی، سخنگوی کمیته
قضائی مجلس، درباره تغییراتی که
فراوانی در این لیاجه وجود داشته
باشد، گفت: «تغییر سن کودک‌آزاری
به ۱۸ سال، ارائه تعاریف مشخصی
که منجر به کودک‌آزاری می‌شود مثل
به‌روکشی، معامله کودکان، فحشا
...، پیش‌بینی وضعیت مخاطره‌آمیز،
جرم‌انگاری موارد گزارش‌نشدن
کودک‌آزاری، جرم‌انگاری جابجایی جنده
عمومی‌دادن به کودک‌آزاری و...»
جمله تغییرات در این لیاجه است»

او همچنین بیان کرد: با توجه به تخصصی بودن و برنامه پنج‌ساله، کمیسیون طولی می‌کشد این لایحه به صحن علنی مجلس ورود پیدا کند اما این هفته در جلسه کمیسیون قضائی به آن مسئله رسیدگی می‌شود و اگر به نتیجه نهایی نرسیدیم، هفته آینده نیز برای بررسی این لایحه دوباره جلسه‌ای در کمیسیون قضائی برگزار خواهد شد. در آردیشست سال، قوه قضائیه لایحه‌ای با عنوان حمایت از کودکان و نوجوانان در قالب ۵۴ ماده تقدیم دولت کرد. پس از ارسال لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان به مجلس، در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۹۰ در کمیسیون لوایح مورد دهم به تصویب رسید و در ۲۸ آبان همان سال، به مجلس ارسال شد. سال ۹۲ لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان به کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس ارسال شد و کمیسیون این لایحه را به کمیته حقوق خصوصی ارجاع داد تا در این کمیته بحث و بررسی شود. در دو سال گذشته اعضای کمیسیون حقوقی و قضائی از برگزاری جلساتی برای تصویب بندهای این لایحه در کمیسیون خبر دادند. لایحه حمایت از حقوق کودک و نوجوان متشکل از چهار فصل است که به صورت کامل، تعریف کلیات، تشکیلات و جرائم و مجازات‌ها تا تحقیق، طرح و صدور سوابق قضائی در هر سطح دیده می‌شود. مکتف‌شدن مقامات و بازپدیدار کردن مراکز نگهداری و نوجوانان، امکان تجدیدنظر مکرر در

[illegible]

عکس: رٹوفہ رستمی، شرق

بی توجهی روان شناختی می شود - نه لزوماً غفلت - و به اظهار نظرهای او بها داده نمی شود، مشارکت او نادیده گرفته می شود، روی اعتماد به نفس و استقلال رای و مسئولیت پذیری او برای فکرکردن تأثیر می گذارد. همین کودک هم آزار روانی می شود و هم آزار از نوع غفلت. با مثلاً کودکانی که مورد غفلت مادر می گیرند - که در ابتدا آوار شوند - هم مشکل رشد جسمانی پیدا می کنند و هم رشد روانی و هم تعامل شدن با جهان بیرونی کم است. بنابراین از درجه اطلاعاتی که در تعامل با دنیای بیرون گرفته می شود از ابتدا محروم می مانند و عملاً به آنها فضای آموزشی هم می شود. بنابراین هر یک می تواند جهای خیلی آسیب زایی در جریان رشد بگذارد. درمجموع می توان گفت مهم انواع کودک آزاری فرایند رشد کودک را مختل می کنند. یعنی آسیبی که کودکان می بینند آسیب در فرایند رشدی رشد آنهاست که این رشد می تواند در نارسایی جسمانی باشد مثلاً سو تغذیه که در کودکی سبب می شود بسیاری از فرایندهای رشد مغز تحت تأثیر قرار گیرد. اگر آزار جسمانی وجود داشته باشد روشن است چه بر سر کودک می آید اینکه یک جسم نازمند به مراقبت به جای مراقبت مورد آسیب هم قرار گیرد؛ طبیعتاً آسیب ماندگار است. در بسیاری موارد آزار جسمانی و جنسی بر سر همان کودک می آید. سه سال اول زندگی که معمولاً ساختارهای مغزی بر مسئول محافظه آشکار هنوز شکل نگرفته است که بشود آنچه عملاً تجربه می شود را به بیان یا به زبان آورد، چرا آن قدر مهم است؟ این به دلیل این است که یک تعامل دائم حسی، حرکتی، هیجانی و عاطفی زیربنای باور هر انسانی برای این است که برای خودش در عمل درآید که چقدر به این جهان خوش آمده است و وقتی این انداز عمیق درآید که منطقیاً بدتر بن، درون مایه با او رشد او به حساب می آید.

مسئله‌ی خواهم‌از‌اصطلاحاتی‌مانند‌ناخودگاه‌که‌زبان‌علمی‌عاری‌نیست
صحبت‌کنیم‌ما‌ی‌گویم‌حافظه‌غیر‌اشکبار‌یا‌پنهانی‌که‌انسان‌در‌سه‌سال
اول‌زندگی‌شکل‌می‌دهد،‌اشاره‌به‌آن‌که‌او‌در‌خودش‌در‌جهان‌پیش‌می‌شود.
شما‌اشاره‌کردید‌در‌سال‌های‌آخر‌تحقیق‌آکادمی‌در‌ایران‌انجام
نشده‌است‌بسی‌سری‌توانیم‌کار‌آمالی‌داشته‌باشیم‌و‌ببینیم‌در‌این
جامعه‌مهم‌تر‌بخش‌های‌مؤکد‌آزادی‌به‌شکل‌میانگینی‌چست؟
الته‌نوش‌ه‌ایم‌،‌وزارت‌تربیت‌دوره‌کودک‌آرامی،‌حسامی‌وجود

دارد. این پژوهش‌ها براساس تحقیقاتی شکل گرفته‌اند که جامعه آماری آن مواردی بوده‌اند که در نتیجه آزار کارشان به بیمارستان یا پزشکی قانونی کشیده است. در این موارد تحلیل طبقاتی و جامعه‌شناختی هم انجام شده است اما ما اگر بخواهیم شخصا درباره جامعه ماکنین طبقه متوسط - کم درعین حال ما نمی‌توانیم از خانواده ایرانی خودمان به خودمان منتقل می‌کنیم. ارائه دهم چون شاید هیچ جای دنیا به اندازه خانواده ایرانی به طور متوسط برای فرزندان سرمایه‌گذاری نمی‌کنند مثل اینکه پدر و مادر تا سال‌های سال هم کودک بزرگسالشان را به دانشگاه آزاد می‌فرستند... و اینکه اتوماتیک چه اتفاقاتی درون خانواده‌ها می‌افتد. اظهارنظر کنم شاید بیشتر مسئله غفلت از کار روانی و زندگی درونی کودکان باشد. یعنی کاری که والدین می‌کنند نوعی کنترل کودکان با شیوه و نه با یک تامل در برنامه‌ای مشخص است؛ اینکه من کاشم یا بشم به عنوان والد مردم چقدر آدمی پرورش می‌دهم. هرچند این تصمیم هم در دنیای امروز تصمیم سختی است، چراکه ما در میان ورطه‌ای از تغییر ارزش‌ها یا حتی بیشتر در چرخه‌ای از ارزش‌های متفاوت زندگی می‌کنیم. که همه آنها لزوماً با هم نمی‌خوانند. در ایدئولوژی حاکم بر جامعه به طور طبیعی درباره چیزهای خوبی صحبت می‌کنیم؛ مانند اخلاق مداری و صداقت. و درعین حال شاهد تغییرات اقتصادی کاملاً غیرقابل تصور در دین برهان، مال و با هجوم خاسته‌ها و داشتن ما هستیم. شما ۱۰ سال پیش در شهر تهران این همه انتخاب نداشتید که شما را تا این حد درباره نداشتنه مضطرب کند. از ماشین‌ها گرفته تا اشیایی که در مغازه‌ها وجود دارند. اینها همه روی ارزش‌های ما اثر می‌گذارد و طبیعی است دانیم چه می‌خواهیم و فکر می‌کنم آدما هم فکر می‌کنند هیچ چیز به اندازه پول به انسان وفادار نیست. به همین دلیل است که خانواده‌ها بیش از توان کار می‌کنند و به هر دری می‌زنند برای اینکه پول دربیارند و دررتبه‌ای از بسیاری چیزها غافل می‌شوند؛ مانند باجه و روابط و شهر و تعامل کیفی و وقت‌گذشتن عاطفی برای یکدیگر.

قابل مشاهده باشد درحالی که موارد بسیاری پنهان و بسیار شایع اند.
این طور نیست؟

بله، هر یک از این غفلت‌ها می‌تواند به کودک آزاری تبدیل شود بدون اینکه در مقوله‌های قابل مشاهده چهارگانه ما قرار گیرد. قبل از اینکه کاملاً از این طبقه‌بندی‌ها فاصله بگیریم، می‌توانیم به نکته مهم دیگری هم اشاره کنیم. و آن توجه و حمایت بیش از حد است که به‌درستی می‌توانیم از آن نیز به عنوان کودک آزاری نام ببریم. وقتی دست‌وال‌کودک را با محبت زیاد می‌پندیم و او را از رشد محروم می‌کنیم. در نتیجه این شیوه فرزندپروری دلبستگی یا بیشتر از آن وابستگی زیاد به خانواده اتفاق می‌افتد که مانع رشد فردی و استقلال کودک می‌شود و او را بر دست‌وپا می‌گذارد. یعنی بیش از اندازه مورد توجه و حمایت قرار گرفته‌ها اگر بخواهیم از نظر تأثیر روی رشد شخصیت مناسب کودکان حمایت کنیم، می‌تواند آسیب‌هایی مانند بار به رشد شخصیت مزین. دسکان بیش‌حمایت‌شده هیچ زامن و اکسپانسیون کافی را برای تحمل سختی یا تجربه پذیرفته‌نشدن ندارند و در نتیجه در برابر سختی‌های زندگی بیش از حد شکننده هستند. یک انسان کاملاً بیش از نظر روانی سالم باید اعتماد به نفسی داشته باشد که فقط به تجربه‌های او در طول خانواده برنمی‌گردد، بلکه حاصل تجربه‌هایی از فراتر از شخصی و مستقل و او عرصه‌ها تواناگون اجتماعی مانند مدرسه و جامعه بزرگ‌تر است.

بر اساس گفته‌های شما، نمی‌توانیم کودک آزاری را متوجه طبقه فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی خاص بدانیم در جایی که تصور این است که در طبقات فرودست‌تر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کودک آزاری شایع‌تر است. این طور نیست؟

همه اشکال کبودی آرزاری را می‌توان در همه طبقات دید و شاید به دلیل تنگ‌حوصلگی ناشی از فقر یا اعتیاد یا حاشیه‌نشینی یا چیزهایی که گاهی در طبقات فرودست جامعه متمرکز می‌شود، تظاهرات آرزاری در این طبقات بیشتر مشاهده می‌شود و در نتیجه اشکال گوناگون آن را می‌شود بیشتر در جوامعی که مرابان و والدین خودشان بیشتر تحت فشار هستند دید.

۱۱ شما فکر می‌کنید در کدام طبقات کبود آرزاری بیش از همه به توجه بسش از حد و اعتدال نامعقول محدود می‌شود؟

البته تا زمانی که پژوهش‌های گسترده در همه زیرگروه‌های کودکان آزاری نداشته باشیم که بتوانیم از آمارهای نسبی ولی مطمئن صحبت کنیم. نمی‌توانیم این را ادعا کنیم. چیزی که ما به عنوان نمونه‌های قابل مشاهده در جامعه می‌بینیم این است که خانواده‌ها معمولاً تربیت را به مدرسه واگذار می‌کنند یعنی از زمانی که بچه‌ها به مدرسه می‌روند خانواده‌هاها متوسل و به بالا تصور می‌کنند کودکان در مدرسه با تربیت می‌شوند در حالی که هدف مدرسه بیشتر آموزش است. در مدارس کم‌توجهی به پرورش رفتارهای شهروندی و مهارت‌های زندگی بسیار معمول است درحالی‌که این دسته از آموزه‌ها هستند که کودکان را به شهروندان عاقل و مسئول تبدیل می‌کند. برای مثال، منشی که یک انسان جعفر را باید داشته باشد خیلی خوب می‌تواند هم در خانه و هم در مدرسه آموزش داده شود و در عمل است که می‌شود انسان‌ها را به تدریج به انسان‌های مسئول تبدیل کرد؛ مسئول در برابر خود، جامعه، زمین و خاک و آب... خانواده‌ها می‌توانند این موارد را با آگاهی به کودکان انتقال دهند. نمی‌خواهم بگویم این کار را نمی‌کنیم اما به طور معمول این کار با آگاهی صورت نمی‌گیرد و در مدرسه هم این آگاهی‌ها را بیش‌ه‌ای ضروری برای زندگی از موضوعات درسی نیستند درحالی‌که باید باشند. می‌توانند آشنان را بگذارند. این مهارت‌ها می‌توانند بخشی عملی از روابط میان انسان‌ها باشند؛ در مدرسه میان کودکان تمرین شوند و با نظارت و با تأیید و تشویق درونی شوند. بعضی وقتی که ما در مدرسه شاهد حمایت یک کودک قوی‌تر از یک کودک ضعیف‌تر در درس یا فشار فعالیت‌ها یا مراقبت از دیگران هستیم، با آگاهی به این‌ها چه می‌توانیم بکنیم. اما در فضایی تبدیل می‌کنیم که می‌تواند آثار ماندگار

اگر بخواهیم انواع کودک آزاری را بررسی کنیم، کدام دارای اثرات سهمگین تری برای کودک است؟
اولا نمی شود این انواع را به راحتی تفکیک کرد مثلا وقتی به کودکی

گفت‌وگو با شیوا دولت‌آبادی رئیس هیأت مدیره انجمن روان‌شناسی ایران

توجه بیش از حد به کودک مصداق کودک آزاری است

نگار حسینی

می‌شود جامعه امروز ایران به‌ویژه در میان طبقه متوسط تا حدود زیادی تسلسل‌زاد است. در این میان تصور می‌شود نمونه‌های کودک‌آزاری در چنین نفع‌های باید انگشت‌شمار باشد؛ با این حال، بررسی‌ها و مشاهدات حکایت‌ری دارند. از اشکال قابل رویت کودک‌آزاری مانند آزار جسمی و جنسی که کارشناسان معتقدند حتی توجه بیش از حد به کودک بابت تأثیری که رشد روانی او می‌گذارد، می‌تواند مصداقی از آزار کودک باشد. با این حساب، از کودک‌آزاری حرف می‌زنیم طیف گسترده‌ای از پدیده‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. با شواهد مثبت تأبادی، روان‌شناس فعال در حوزه کودک‌ان، در این باره می‌گوید کرده‌ایم:

❖ کودک آزاری چیست و چه مواردی را از مصداق‌های خشونت در رابطه با کودک تعریف می‌کنیم؟

گر برای هر انسان و به‌ویژه برای یک انسان در حال رشد حق دانشی، سلام و مناسب همراه با بهزیستی قابل باشیم، بدست آوردن فضایی و حمایت‌کننده برای رشد مناسب با استعدادها و نیازهای طبیعی و به سبب آن به آن کودک آزاری نگاه کنیم- این ارتباط میان کودک و چگونگی رشد او در پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک بیان شده است:- اینکه هر کودک در درجه‌اول به سلامت نیاز دارد و سلامت به معنای دسترسی به بهداشت و تغذیه خوب و در صورت خدمات پزشکی مناسب و به‌موقع است. در قدم بعد از آن که حق بقا سلامت است، کودک به خانواده‌ای حمایت‌کننده نیاز دارد که در شکل، اتم و مسئولیت‌پذیری کافی باشد تا بتواند کودک خود را به‌طور به‌شهر و والدین پدری که زمانی از بداند متخلف شایسته داشتن هستند. همه اینها با هم مجموعه‌ای را برای رشد خوب فراهم می‌کنند. فراتر از آن مسئله آموزش‌های همگانی است. به این معنا که چه در لایه‌های پیش از مدرسه و چه در مدرسه آموزش باکیفیت فراتر از سواد و دانش رسمی مسئله یادگیری و تجربه مهارت‌هایی مانند انعطاف‌پذیری و تابندگی و نوع دوستی، یادگیری کار جمعی و مشارکت و پیوند با دیگران و مسئولیت‌پذیری آموزش داده شود. واقع‌تر این موارد حق هر انسان از رشدی شایسته محسوب می‌شوند. اگر چه در هر یک از این موارد کوتاهی بود، فرد به نوعی از مزایای کیفیت بودن خودش محروم می‌شود. بگذاریم برای نمونه بگوییم یکی از مصداق‌های بارز این ناحق این است که من شکلی را نخواست به دنیا بیایم؛ یعنی نخواهم این کودک را داشته باشم. کودک در تحمیل شده باشد و در نتیجه من از عهد والد مناسب بودن ایستم، تبعیض بگذارم، تحقیر و طرد کنم... اینها به درجاتی در زندگی برای منی می‌تواند اتفاق بیفتد. حتی اینکه من در عمل، بلکه فقط در ذهنم رضای جنسیتی قابل شوم خواهی نخواهی آدمی را از حق طبیعی و بدیهی رشد مناسب محروم می‌کنم. بنابراین اگر ما مفهوم کودک آزاری را با مفاهیم به عنوان آن روی سکه حق سالم رشد کردن و حق شایسته بودن ببینیم، بسیاریار تعریف گسترده‌ای پیدا می‌کند. یعنی هر شما کودک را زائل کنید، در حال کودک آزاری هستید. یا بگویم به‌راستی کردن با چنین مفاهیمی بسیار دشوار است یعنی از حیثه حقوقی- تنی عبور می‌کند و دیگر وارد حیثه اخلاقی یا فلسفه بودن و رنج‌های بشر می‌شود. بنابراین روان‌شناسی می‌کوشد با مفاهیمی کار کند که مشاهده و حتی اندازه‌گیری باشند پس رسیدن به یک تعریف جامع از کودک آزاری دشوار است. در هر حال تعریف ساده‌ای از کودک آزاری این است: هر کجا کودکی را از زندگی مناسب محروم کنید یا هرگاه شما نشانه‌هایی از کودک ببینید که حاکی از آن است که به صورت آشکار اتفاق افتاده خارج سرف بنیاد پروری برای او افتاده است. می‌توانید تصور کنید کودک آزاری داده است. بنابراین اگر کودکی نشانه‌هایی بروز دهد که در چهار مقوله می‌کند یا به عنوان چهار نوع اصلی کودک آزاری تعریف می‌کنیم، قرار می‌گیرد- مثل آنکه آزار جسمانی دیده باشد، یا نشانه‌هایی از آزار جسمانی- مثل آنکه آزار روانی دیده باشد یا نشانه‌هایی از آزار روانی که کودک از آنها و نشانه‌های آن را تعریف کرد؛ یا مثل اینکه آسیب جسمی باشد یا اینکه مورد آزار از نوع غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته باشد- یا چهار مقوله اصلی و کلاسیک تعریف ما از کودک آزاری هستند که هر یک به نشانه‌هایی از اینکه این اتفاق‌ها برای کودک افتاده است، قابل تشخیص هستند. چه زخم‌های بدنی و چه زخم‌های روانی باشند. حالا اگر بخواهیم از دست‌بندی معمول فراتر رویم و باز آزار را در مقوله عملکرد بزرگ‌ترها در کوچه‌بندی ازبایی کنیم، می‌توانیم برای نمونه از غفلت در دسترسی کودک به اطلاعات صحبت کنیم که چیزی مانند کودک آزاری آموزشی است یا اگر کودکی را از رفتن به مدرسه که در آن الفبا و ریاضی بیاموزد محروم می‌کنیم و در نتیجه شانس رشد مغزی که می‌تواند در اثر آن سوادش به دست آورد را از او بگیریم، او را تحت کودک آزاری آموزشی قرار داده‌ایم. امروزه آزار آموزشی در ساخت دیگری نیز دیده می‌شود و آن مبالغه و فشار نامناسب روی کودک برای یادگیری و اصرار بر ۲۰ و ۳۰ میسرس و دکتر شدن است. یعنی تحمیل آرزوهای والدین بر کودک برای اینکه همدیس را برود که بدهد او بر نمی‌آید و در آن علاقه و استعداد ندارد و در آن ناکام است. در آن خود مدرسه و رقابت‌های طاقت‌فرسا در آن بر دوش دانش آموز می‌کند همه از مقوله‌های کودک آزاری آموزشی اخیر هستند. باز نه‌ای دیگر از تهدید برای رشد کودک معقول ذوب‌شدن در دنیای مجازی و مقابل محروم‌ماندن از این تکنولوژی‌هاست که اعتدال در آن به رشد سبب عملکردهای مغزی کمک می‌کند و مبالغه در آن کودک را از تکامل تنی و اخلاقی و ارتباط‌های انسانی محروم می‌کند.